

# نی‌ها قلم میشوند

در برخی مناطق خراسان زمین، افغانستان و ایران امروزی، در یک روز خاص، هنگام غروب، آتش را در انبوه نیزار رها می‌کنند و می‌سوزانند، و این سوختن تا سحر ادامه می‌یابد..

در دل شب، بهنگام سوختن نیزارها، صداهایی عجیب و پر از اسرار بگوش می‌رسد و تا صبحدم غوغایی برپاست!..

دما دم صبح و قبل از طلوع آفتاب، به نیزار سوخته می‌روند..

بعضی از نی‌ها نسوخته‌اند و در آتش سرخ شده یا بقولی پخته شده‌اند..

نی‌های سرخ شده را جمع‌آوری می‌کنند و از بین آنها، جدا سازی آغاز می‌شود .

برخی از نی‌ها که دارای هفت بند و کمتر از یک متر هستند به درد ساز نی اصیل می‌خورند .

برخی بدرد فلوت و توله و دوسازه یا قُشمه ( در اصل از استخوان ساخته میشود) و ...

اما موضوع اینجاست، آن دسته از نی‌ها که ساز می‌شوند، باید زمانی که نواخته می‌شوند، اسرار سوختن را بیان کنند ..



بشنو از نی، چون حکایت می‌کند

از جدایی‌ها شکایت می‌کند

نی حدیث راه، پُر خون می‌کند

قصه‌های عشق، مجنون می‌کند

یک‌شب آتش در نیستانی فتاد

سوخت چون عشقی که برجانی فتاد

شعله تا سرگرم کار خویش شد

هر نی‌ای شمع مزار خویش شد

در میان نی‌های سرخ شده، تعدادی نی سرخ شده و پخته کوتاه نیز می‌ماند، که توان فریاد ساز را ندارد!.. آنها نیز عاقبتی عجیب دارند!..

آن نی‌ها، قلم می‌شوند..

می‌گویند و می‌خورشند، شکوه می‌کنند و آگاه می‌کنند و گاهی نیز می‌نالند .... بی‌صدا و خاموش.

